

جنین آزمایشگاهی به مثابه شخص*

In Vitro Embryo as a Person

M. H. Sadeghi Moghadam, Ph.D.

دکتر محمد حسن صادقی مقدم ✉

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

M. Mozafari, Ph.D. Student

مصطفی مظفری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۹/۹

پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۲۹

Abstract

Based on moral principles and the natural laws, an in vitro embryo is considered as a natural embryo. The difference in the course of natural growing of an in vitro embryo and natural embryo, does not result in a difference of the governing rules, since both are embryos. It is argued that an in vitro embryo has the same rights as the natural embryo. Considering this claim, despite the position of some scholars who believe that such an embryo is subject to ownership,

چکیده

جنین آزمایشگاهی بر اساس اصول اخلاقی و قوانین طبیعی در حکم جنین عادی است. اختلافی که در نمو طبیعی جنین آزمایشگاهی با جنین طبیعی وجود دارد نباید احکام حاکم بر آن را متفاوت کند، چرا که وصف جنین در مورد آزمایشگاهی نیز قابل اعمال و گسترش است. این امر بیانگر آن است که جنین آزمایشگاهی دارای همان حقوقی خواهد بود که قانون برای جنین عادی در نظر گرفته است. به همین جهت، به رغم ادعای برخی مبنی بر مالیت جنین و به تبع، قابلیت مورد معامله واقع شدن آن، آن چه در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری مصطفی مظفری با موضوع: «هویت، حقوق و تکالیف انسان شبیه‌سازی شده» می‌باشد.

✉ نویسنده مسئول: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

پست الکترونیک: mhsadeghy@ut.ac.ir

✉ Corresponding author: Faculty of Law and Political Science, Enghelab St., Tehran University.
Email: mhsadeghy@ut.ac.ir

this article aims to critique this idea and argue that an in vitro embryo has the same personhood as a natural embryo from the moment of conception. Therefore, the embryo cannot be transferred as a gift or otherwise traded in the form of a stipulation in a contract.

Keywords: In Vitro Embryo, Property, Person, Embryo Donation, Contract for the Transfer of an Embryo.

بیان نقدهایی بر این نظریه و اثبات شخصیت جنین از لحظه انعقاد نطفه است و از این حیث تفاوتی میان جنین طبیعی و آزمایشگاهی وجود ندارد. بنابراین حتی ضمن عقودی مانند هبه نیز نمی‌تواند مورد معامله و موضوع حق واقع شود.

کلیدواژه‌ها: جنین آزمایشگاهی، مال، شخص، اهدای جنین، قرارداد انتقال جنین.

مقدمه

یکی از روش‌هایی که امروزه برای درمان ناباروری استفاده می‌شود، لقاح خارج از رحمی و به اصطلاح تلقیح مصنوعی است و این امر سؤالات و بحث‌های گوناگونی را مطرح می‌کند که یکی از آن‌ها تعیین وضعیت حقوقی جنین حاصل از لقاح اسپرم و تخمک در خارج از رحم است. بی‌تردید برای آن‌ها که بتوان ماهیت حقوقی جنین آزمایشگاهی را مورد مطالعه قرار داد، باید دانست جنین چیست و آیا اطلاق واژه جنین بر موجودی که در محیط آزمایشگاه پدید آمده، صحیح است؟ و نیز اگر چنین اطلاقی بجا است، از چه زمانی می‌توان آن را جنین به حساب آورد؟ لازم است برای پاسخ به این پرسش مفهوم جنین از وجوه مختلف بررسی شود که در گفتار اول این نوشتار به آن پرداخته شده است.

پس از روشن شدن مفهوم جنین آزمایشگاهی نوبت به بررسی ابعاد حقوقی آن می‌رسد و اینکه آیا جنین می‌تواند مال محسوب شده، موضوع معامله قرار گیرد و یا در نظر گرفتن آن به عنوان انسان بالقوه، جایز نبودن چنین امری را به دنبال خواهد داشت.

در ضرورت بررسی و مطالعه این بحث، همین بس که اگر جنین آزمایشگاهی، از مالیت برخوردار نبوده و قابلیت تملک نداشته باشد، نمی‌تواند موضوع معامله قرار گیرد و حتی هبه آن به دلیل فقدان مالیت نیز با عنوان «اهداء» صحیح نخواهد بود. زیرا به دلیل فقدان مالیت شرط عوض واقع شدن را ندارد. این امر در گفتار دوم این مقاله در دو بند بررسی شده است. هم‌چنین آثار دیگری نیز بر مالیت یا شخصیت انسانی جنین آزمایشگاهی مترتب می‌گردد که در گفتار سوم به آن اشاره شده است.

گفتار اول : مفهوم جنین و چگونگی تشکیل آن

بند اول : مفهوم عرفی جنین

از دیدگاه علمای لغت و عرف عام جامعه جنین عبارت از موجودی است که از لقاح یا ترکیب سلول‌های جنسی زن و مرد تشکیل یافته و در حال طی مراحل رشد خود در داخل رحم می‌باشد، گاهی در صورت توقف حیات و رشد این موجود نیز به آن جنین اطلاق شده است. لفظ حمل نیز گاهی به مفهوم جنین به کار رفته است (معین^۱، ۱۳۷۱: ۱۲۴۷).

در برخی از قوانین ایران همانند قانون مدنی (مواد مربوط به ارث) و قانون مجازات اسلامی (مواد مربوط به سقط جنین) واژه جنین به مفهوم عرفی و لغوی آن به کار رفته است.

بند دوم : مفهوم پزشکی جنین

برای تشکیل یک جنین تحقق لقاح بین اسپرم و تخمک ضرورت دارد و پس از لقاح موجودی به وجود می‌آید که زایگوت یا زایگوت^۲ نام دارد. بنابراین به سلول حاصل از لقاح تخمک و اسپرم قبل از شروع تقسیم سلولی زایگوت می‌گویند. تشکیل زایگوت با مشاهده دو پیش‌هسته در داخل تخمک تشخیص داده می‌شود و ۱۸-۱۲ ساعت پس از لقاح، باروری تخمک را می‌توان مشاهده و در نتیجه تشکیل زایگوت را تشخیص داد. پس از حدود ۲۴ ساعت از زمان باروری، اولین تقسیم سلولی در زایگوت آغاز می‌شود. از زمان تقسیم اولیه سلول‌های زایگوت تا هشت هفته بعد از آن زایگوت را رویان^۳ می‌نامند و به عبارت دیگر رویان واژه‌ای است که برای توصیف مراحل اولیه رشد جنین به کار می‌رود و از مرحله شروع تقسیم سلولی تا هفته هشتم حاملگی، جنین را شامل می‌شود (آخوندی و صادقی^۴، ۱۳۸۲: ۳۷).

بنابراین ملاحظه می‌شود که زایگوت که حاصل لقاح گامت‌های نر و ماده می‌باشد، یک موجود تک‌سلولی و عمر آن در حدود ۲۴ ساعت است و بعد از آن تقسیم سلولی آغاز شده و از این زمان تا هفته هشتم موجود موسوم به جنین یا رویان است. رویان در مرحله ۱۶ سلولی به شکل یک کره توپر کوچک درمی‌آید که مورولا نام دارد. از هفته نهم باروری تا زمان وضع حمل به این موجود از نظر پزشکی جنین اطلاق می‌شود (آخوندی، بهجتی، عارفی، صدری، اعرابی، وزرنانی، چمنی و شبستری^۵، ۱۳۸۶).

بند سوم : مفهوم جنین در قانون اهدای جنین

در پنج ماده قانون نحوه اهدای جنین مشخص نشده است که منظور از جنین چیست و قانون مذکور در خصوص ارائه تعریف و مفهوم جنین ساکت است و یکی از نقص‌های این قانون همین مسأله است. اما آئین‌نامه اجرایی این قانون در بند «ب» ماده یک این نقص را تا حدودی برطرف نموده و جنینی که بر اساس این قانون قابل اهداست را چنین تعریف کرده است: «جنین نطفه حاصل از

تلقیح خارج از رحمی زوج‌های قانونی و شرعی است که از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز خواهد بود. این جنین می‌تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد.»

از نظر علمی جنین مورد نظر قانون با مفهوم زایگوت و رویان انطباق دارد اما با توجه به این که معنای عرفی و لغوی جنین از مرحله باروری تا وضع حمل تمام مدت را دربر می‌گیرد، بنابراین قانون نحوه اهدای جنین نیز همانند قوانین دیگر کشورمان مفهوم عرفی جنین را مد نظر قرار داده است. با این تفاوت که لقاح جنین مورد نظر قانون جدید به صورت خارج از رحم در محیط آزمایشگاه صورت می‌گیرد. بنابراین اطلاق واژه جنین بر جنین آزمایشگاهی نیز صحیح می‌باشد.

حال می‌توان گفت نظر بعضی حقوقدانان که با توجه به معنای لغوی جنین، جنین را همان نطفه استقرار یافته در رحم می‌دانند (شهیدی^۶، ۱۳۸۷: ۱۴۲)، قابل اشکال است و بعضی بر این باورند که حمل زمانی گفته می‌شود که منی وارد رحم زن شود و بین تخم ذکور و تخمک انث، امتزاج حاصل گردد که آن را لقاح نیز می‌گویند (امامی^۷، ۱۳۶۶: ۶۴-۵۲). و در تأیید همین نظر گفته شده است که «آغاز حمل از زمان انعقاد نطفه و پایان آن لحظه‌ای قبل از ولادت است» (جعفری لنگرودی^۸، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

قانون مدنی نیز از نظریه اخیر پیروی کرده و در ماده ۸۷۵ بیان داشته است: «شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد، در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین‌الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.» ظاهر این ماده به خوبی بیانگر آن است که قانونگذار انعقاد نطفه را آغاز حیات جنین به حساب آورده است.

مهم‌ترین مسأله‌ای که پس از تعیین دقیق مفهوم و شمول واژه جنین خودنمایی می‌کند، ماهیت جنین آزمایشگاهی از حیث مالیت یا شخصیت انسانی اوست که در این باره علمای حقوق به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: بعضی بر این باورند که نطفه بیشتر «شیء» محسوب می‌شود تا شخص و مالیت را برای آن مفروض می‌دانند و عده‌ای معتقدند جنین از زمان لقاح نطفه از جایگاه و حقوق کامل انسانی برخوردار است که به این دو نظریه می‌پردازیم.

گفتار دوم: ماهیت حقوقی جنین آزمایشگاهی

بند اول: مالیت جنین آزمایشگاهی

حقوقدانان در برخورد با این مسأله آرای یکسانی ندارند. عده‌ای بر این باورند که اساساً جنین آزمایشگاهی مال است و قرارداد منعقد شده میان اهداکننده و متقاضی را از نوع قراردادهای مالی می‌پندارند و برای اثبات نظریه خود این دلایل را ذکر می‌کنند:

- ۱- چنان‌که مشهور است در تعریف مال دو عنصر اساسی وجود دارد: ۱- مفید باشد و نیازی را برآورد. ۲- قابل اختصاص به شخص یا ملت معین باشد (کاتوزیان^۹، ۱۳۸۹: ۹). برخی به دو عنصر

فوق داشتن ارزش اقتصادی و قابلیت تقویم به پول را نیز افزوده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۵۲). مقصود از مفید بودن مال، داشتن نفع مشروع و عقلایی است (کریمی^۱، ۱۳۸۴). نفعی که خردمندان جامعه آن را ارزیابی کنند. اگرچه به نظر می‌رسد مفید بودن عقلی شیء برای مال دانستن آن کافی باشد و مشروعیت موجب حلیت داد و ستد می‌گردد.

این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که مفید بودن در روابط اجتماعی است که قابل ارزیابی می‌باشد، لذا کافی است دو طرف قرارداد از معامله‌ای که می‌کنند خرسند باشند و عوض و معوض را در رابطه خود مفید و مثمر ثمر یابند (دیوان عالی^{۱۱}، ۱۳۳۸).

با توجه به تعریف مال می‌توان جنین آزمایشگاهی را مصداقی از مصادیق مال دانسته و قابل داد و ستد نیز باشد. چرا که موجودی است که هنوز انسان شدنش احراز نشده و قوه‌ای است که در بالفعل شدن آن اما و اگرهای فراوان وجود دارد. هم‌چنین برای رسیدن به اهداف و مصالح اجتماعی، داد و ستد چنین پدیده‌ای درخور توجه و حائز اهمیت است. پس منفعت آن عقلایی و مالیت آن ثابت خواهد بود. چه بسا خانواده‌هایی که در حزن نداشتن فرزند به سر می‌برند یا از خوف فقدان آن در شرف فروپاشی هستند. در نتیجه خردمندان جامعه حکم به مفید بودن چنین مبادله‌ای خواهند کرد.

۲- از نظر داشتن شرایط مورد معامله در جنین نیز تردیدی وجود ندارد، زیرا علاوه بر داشتن مالیت، موجود و معلوم بودن، قابلیت انتقال و مالکیت انتقال دهنده نیز وجود دارد.

۳- مغایرت معامله جنین با منزلت و کرامت انسانی نیز مسجل نیست، زیرا تا زمانی که جنین به رحم مورد نظر منتقل نشده است، نمی‌توان آن را انسان قلمداد و حقوق انسانی از جمله حق حیات و موضوع حق واقع نشدن را به آن اعطا نمود (نایب‌زاده^{۱۲}، ۱۳۸۰: ۴۸۱). منظور برخی از مقررات مانند مواد ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۷۵ و ۹۵۷ از حمل متمتع از حقوق مدنی عبارت از جنینی است که در رحم مادر در حال رشد است.

بند دوم: شخصیت جنین آزمایشگاهی

در مقابل دیدگاه مالیت داشتن جنین عده‌ای در مقام نقد آنها برآمده و نظراتی را بیان داشته‌اند. هم‌چنین با استناد به بعضی دلایل شخصیت جنین را اثبات کرده‌اند. از مهم‌ترین اشکالاتی که می‌توان به مالیت جنین وارد ساخت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در بررسی ماهیت جنین نباید از نظر دور داشت که عمل تلقیح و پدیدآوری جنین آزمایشگاهی در دو مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله نخست اسپرم و تخمک به مؤسسه تسلیم می‌گردد و مؤسسه با انجام فعالیت‌های تخصصی سلول‌های جنسی را تلقیح داده وارد مرحله دوم یعنی قرار دادن جنین در رحم زن متقاضی می‌شود. لذا می‌بایست ماهیت و مالیت اسپرم و تخمک و نیز جنین به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

در مورد مالیت داشتن یا نداشتن اعضای بدن انسان ممکن است میان اعضای که فقدان آن‌ها موجب از موجبات ضرر و زیان به تمامیت جسمانی فرد است و نیز اعضای که نبودشان ضرری برای بدن در پی ندارد، تفکیک قائل شویم. چنان که در مورد اول بدیهی است که داد و ستد و منفعت مشروع عقلایی منتفی خواهد بود و در مورد دوم در صورتی که منافع اجتماعی اقتضا نمایند، بی‌تردید داشتن نفع در داد و ستد آن‌ها عقلایی بوده و در پی آن قانونگذار مشروعیت چنین انتقالی را تأیید خواهد نمود (خلفی^{۱۳}، ۱۳۸۵). چنان که ماده ۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی مصوب ۱۳۳۴ با شرایطی انتقال و خرید و فروش خون توسط آزمایشگاه‌ها را اجازه می‌دهد.

از وحدت ملاک مال دانستن خون به این دلیل که قابلیت تجدیدپذیری دارد و از اعضای حیاتی بدن نیز هست و منفعت مشروع و عقلایی هم دارد، در مالیت داشتن و داد و ستد تخمک و اسپرم می‌توان بهره جست؛ چرا که هر دو حاصل بدن انسان یا منفعت عضوی از اعضای او هستند و فقدان جزئی آن‌ها ضرری به بدن وارد نمی‌آورد (اسماعیلی^{۱۴}، ۱۳۸۷: ۱۶۴-۱۴۸).

از طرف دیگر در صورتی هم که خرید و فروش خون یا اسپرم را جایز نشماریم، با تمسک به قاعده نفی حرج باید گفت در صورت نیاز و مصلحت جامعه می‌بایست داد و ستد آن‌ها را مشروع و مباح تلقی نماییم، چرا که دست کم در این مورد است که نفع مشروع و عقلایی وجود خواهد داشت. البته این به معنای جواز خرید و فروش اسپرم در سطوح گسترده و زیر پا گذاشتن کرامت انسانی نیست.

لیکن در مورد جنین وضع به گونه‌ای دیگر است، چرا که ماهیت جنینی که در آزمایشگاه پدید آمده نسبت به اسپرم و تخمک اهدا شده متفاوت است و از لحظه انعقاد نطفه، موجودی پا به عرصه حیات می‌گذارد که پس از مدتی کوتاه تقسیمات سلولی را آغاز و سیر تکامل خویش را دنبال می‌کند.

اگرچه ممکن است از این حیث که داد و ستد جنین مفید فایده است، آن را مال به حساب آورند اما نباید از خاطر دور داشت که از این حیث، خرید و فروش انسان کامل نیز به رسم دوران برده‌داری ممکن است دارای منفعت باشد؛ لکن دوران برده‌داری سپری شده است و کرامت و شخصیت انسانی است که مالیتش را زیر سؤال می‌برد و او را غیرقابل داد و ستد نموده، بلکه ماهیتی متفاوت نسبت به مال به آن می‌بخشد.

۲- مالیت از منظر قاطبه فقها مفهومی عرفی است. اساساً تعریف بارزترین مصداق عقود یعنی عقد بیع، مواردی را که عرفاً از تعریف مبادله مال با مال خارج‌اند از بیع خارج می‌کند (انصاری^{۱۵}، ۱۴۱۵: ۹) و هیچ اشکال و اختلافی در این معنا وجود ندارد که آن‌چه عرفاً مال محسوب نشود، نمی‌تواند عوض معامله قرار گیرد.

حکم در مواردی که در مالیت یا عدم مالیت شیء تردیدی نباشد، روشن است و نیازی به بررسی ندارد، اما در فرضی که در خصوص مالیت عرفی شیء تردید وجود داشته باشد، سه نظر از سوی فقها ابراز گشته است:

- ۱- امکان رجوع به عموماً صحت بیع و تجارت با استناد به اصله الصحه (انصاری، ۱۴۱۵: ۹).
- ۲- تمسک به عموماً صحت، فرع بر مال دانستن آن شیء از نظر عرفی است، در حالی که در فرض مورد بحث در اصل مالیت عرفی تردید وجود دارد. بنابراین رجوع به اصله الصحه موردی ندارد و آن چه با قاعده موافق تر است، بطلان معامله چنین شیئی می باشد (مروج جزایری^{۱۶}، ۱۴۱۶: ۳۹۰).
- ۳- تردید در مالیت شیء مورد معامله از مصادیق شبهه موضوعیه نسبت به ادله فساد و ادله صحت است، پس نه می توان به فساد حکم نمود و نه به صحت معامله. بنابر این نظریه، ضمن توقف در خصوص مورد باید از سایر دلایل و اصول بهره جست (اراکی^{۱۷}، ۱۴۱۵: ۷۲).

با توجه به این مطالب می توان گفت در خصوص مالیت رویان تردیدی جدی وجود دارد و رویان به مثابه یک موجود زنده که قابلیت تبدیل به یک انسان کامل را دارد، اساساً قابلیت ارزش گذاری مالی ندارد و حتی اگر در خصوص عدم مالیت عرفی رویان به قطعیت نرسیده باشیم، به نظر می رسد با توجه به این که در آن چه اصطلاحاً اهدای جنین یا رویان خوانده می شود، تردید و شک در مقتضی انعقاد عقد وجود دارد. پس باید با رجوع به استصحاب عدمی، اصل را فساد عقد دانست و این استدلال میان نظرهای دوم و سوم پیش گفته فقیهان در فرض تردید در مالیت جمع می کند.

- ۴- جمله فقیهان دومین شرط مورد معامله را سلطنت مطلق منتقل کننده و مالکیت او دانسته اند. قطعاً در هیچ کدام از کتب فقهی به جهت جدید بودن موضوع مورد مطالعه، سلطنت مطلق ابویین بر جنین مورد بررسی قرار نگرفته است. اما بدیهی است با عنایت به آزاد بودن انسان بماهو انسان، هیچ دلیلی بر مالکیت ابویین یا پدر بر رویان وجود ندارد، چه برسد به این که این مالکیت مطلق بوده و امکان انتقال جنین را به آن دو اعطا نماید.

همچنین ولایت ابویین بر فرزند خود امری متفاوت از مالکیت است و هیچ حقوقدانی ادعای مالکیت پدر یا والدین بر فرزند خود را ندارد. چون اگر بناست جنین که مثابه حبه وجود انسانی است مانند حبه درخت یا گیاه قابل انتقال باشد، باید این مالکیت پس از به فعلیت رسیدن جنین و انسان کامل شدن او نیز ادامه یابد، در حالی که این امر پذیرفتنی نیست.

از طرفی هیچ دلیل نقلی یا عقلی وجود ندارد که قرار نداشتن جنین در رحم مادر (قرار مکین) را از اسباب اسکان سلطنت مالکانه والدین قلمداد نماید. در موارد شبهه در حرمت انسانی، باید بر نمط احتیاط گام برداشت و صرف تشکیل جنین در محیط آزمایشگاهی و ضرورت مداخله انسانی جهت تبدیل به نوع انسانی نمی تواند برای رویگردانی از احتیاط و حکم شارع به امکان سلطنت مالکانه و در نتیجه قابلیت انتقال جنین کارگر افتد.

تجویز انتقال حقوقی رویان، نوعی بازگشت به تفکر مالکیت انسان بر انسان است و شرط مملوک بودن مورد معامله مورد اجماع فقیهان است و نصوص صریحی چون «لایع الآفی ملک» بر آن دلالت دارند و روشن است که مورد بیع مخصوص نیست و هبه را نیز شامل می‌شود، انسان آزاد قابلیت تملک ندارد تا بتواند در ملکیت کسی قرار گیرد (نجفی^{۱۸}، بی‌تا: ۳۴۴-۳۴۳).

طرفداران نظریه شخصیت داشتن جنین آزمایشگاهی و قائلین به عدم مالیت آن هم‌چنین دلایلی را برای کرامت جنین و جایز نبودن معامله و از بین بردن آن به عنوان یک شیء اقامه می‌نمایند:

۱- کرامت در معنای عام خود دلالت بر وجود کیفیتی خاص در حامل آن یعنی انسان دارد. این معنا از کرامت جنبه عرضی دارد و قابل اکتساب و زوال است اما وقتی کرامت به انسان نسبت داده می‌شود به معنای نفی امتیازهای عرضی و راجع به حرمتی است که هر انسان بماهو انسان از آن برخوردار است، این همان کرامت ذاتی است که نه از دست می‌رود و نه به دست می‌آید. در یک تعریف دقیق‌تر کرامت به ارزش ذاتی موجودات انسانی صرف‌نظر از سن، جنس، توانایی روانی و فیزیکی، مذهب و خاستگاه قومی و اجتماعی اشاره دارد. بنابراین کرامت به اهمیت ذاتی حیات بشری برمی‌گردد و مستلزم این است که با انسان هرگز به گونه‌ای برخورد نشود که اهمیت ممتاز حیات آنان انکار شود. بر پایه نظریه کانت کرامت انسانی به این معنا است که فرد انسانی همواره باید به عنوان «هدف» در نظر گرفته شود و نه به عنوان «وسیله» (آندر تو^{۱۹}، ترجمه ساعد^{۲۰}، ۱۳۸۶).

بر این اساس می‌توان کرامت را با التزام به «عدم ابزارانگاری انسان» برابر دانست. بنابراین ما نمی‌توانیم حیات افراد را به مخاطره بیندازیم و یا آن‌ها را مورد معامله قرار دهیم.

در آیه ۲۹ سوره مبارکه حجر آمده است: «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی ففعواله ساجدین» (پس هنگامی که او را آراستم و از روحم در او دمیدم پس همگی سجده‌کنان بر او افتادند).

با توجه به این آیه بعضی بیان می‌کنند که منظور از آن‌چه در آیات قرآنی در ارتباط با تکریم و حفظ کرامت انسانی مورد تأکید قرار گرفته، انسانی است که روح خداوندی در پیکرش دمیده شده است و در خصوص دمیده شدن روح الهی بر پیکر جنین در فقه اسلامی از سوی علما و فقها نظریات مختلفی مطرح گردیده است که مشهورترین آن‌ها چهارماهگی می‌باشد. حال باید دانست که آیا این امر بدان معنی است که از زمانی که نطفه بارور شده لخته خون بیش نیست تا هفته شانزدهم و عدم ولوج روح، می‌توان به جنین به عنوان یک شیء نگریست یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بررسی کرد جنین آزمایشگاهی از چه زمانی از حقوق انسانی برخوردار است. چرا که حقی که برای انسان در نظر گرفته می‌شود و کمالی که انسان باید به آن برسد وابسته به وجود انسان است که از جمله این حقوق، مستقل بودن و مورد معامله واقع نشدن می‌باشد.

زیست‌شناسان نتوانسته‌اند تعریف جامع و مانعی از حیات ارائه دهند و تعاریف آن‌ها بیشتر به آثار

حیات توجه دارد، نه خود حیات. با این حال می‌توان طبق تعریف لیتره چنین گفت: «حیات عبارت است از تظاهر خصوصیتی که ویژه ماده زنده می‌باشد و مادامی که در حال تشکل است این خصوصیات در آن برقرارند و از همه این تظاهرات مهم‌تر عمل تغذیه است» (آگاه^{۲۱}، ۱۳۸۲).

به طور کلی شماری از مهم‌ترین آثار و لوازم حیات این موارد هستند:

۱- تولید مثل، ۲- تغذیه، ۳- رشد، ۴- تنفس، ۵- خود ترسیم، ۶- تلاش برای بقا، ۷- احساس، ۸- قدرت بر فعالیت و انجام عمل خاص، ۹- علم که ویژه انسان است.

عقیده فلاسفه، اخلاقیون و عرف جامعه بر این منطق استوار است که جنین انسان از زمان انعقاد نطفه یک موجود زنده است. مطابق عقیده کاتولیک‌ها نطفه از زمانی که بارور می‌شود به دریافت موهبت زندگی الهی نائل گشته و به هیچ وجه نمی‌توان این عطیه الهی را از او سلب نمود (محقق داماد^{۲۲}، ۱۳۸۹: ۲۷۱-۲۷۰). در کتب فقهی نیز برای صدمه زدن یا از بین رفتن جنین فارغ از زمان یا دمیده شدن یا نشدن روح، در مراحل مختلف شکل‌گیری مقادیر متفاوتی از دیه ثابت گردیده است که بر این اساس مسامحتاً با کمی تأمل می‌توان چنین استنباط نمود که فقه نیز به طور ضمنی حیات انسان را از زمان تشکیل نطفه پذیرفته و از اطلاق واژه جنین می‌توان این‌گونه برداشت کرد که چون جنین آزمایشگاهی خصوصیت ویژه‌ای ندارد این مقادیر دیه قابل تسری به جنین شکل گرفته از طریق لقاح مصنوعی نیز می‌باشد.

۲- در میان فقها کسانی هستند که مالکیت انسان نسبت به بدن خودش را نپذیرفته‌اند. این گروه برای اثبات دیدگاه خود به چند دلیل استناد کرده‌اند: (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۲۷۱-۲۷۰).

الف- مدیریت نفس: نفس انسان، علت ایجاد و سبب فاعلی برای بدن نبوده، تنها تدبیرگر و اداره‌کننده امور بدن به اذن خداوند است. به همین جهت، بین روح و بدن رابطه ملکیت ذاتی و تکوینی وجود ندارد. از طرف دیگر دلیل شرعی هم وجود چنین رابطه‌ای را تأیید نمی‌کند. پس ملکیت اعتباری هم قابل تصور نیست (محسنی^{۲۳}، ۱۳۸۴: ۶۷).

ب- مالکیت خداوند: مالک حقیقی جسم و روح انسان، خداوند است و انسان نسبت به جسد خود، امانتداری بیش نیست، بر همین اساس، خداوند از انسان خواسته است سبب تباهی و آزار خود را فراهم نکرده، از انجام کارهایی چون خودکشی پرهیز کند (جواهری^{۲۴}، ۱۳۷۹: ۴۷).

ج- نبود دلیل: اطلاق مالکیت در مورد اعضای بدن انسان دلیل شرعی نداشته، دلیلی بر مالکیت انسان نسبت به خودش وجود ندارد، وگرنه خودکشی جایز می‌بود (فیضی طالب^{۲۵}، ۱۳۷۷: ۱۹، ۴۱، ۷۴).

د- عدم سلطه: انسان بر خود و اعضای بدنش سلطه ندارد، زیرا دلیلی بر ثبوت این سلطه اقامه نشده، بلکه در منابع دینی، دلایلی بر نبود چنین تسلطی وجود دارد (ایروانی^{۲۶}، ۱۴۱۸: ۱۵۶-۱۵۵ و ۲۵۶).

با توجه به این دلایل هرچند انتقاداتی به آن‌ها وارد است، اما می‌توان گفت مالکیت نسبت به جنین آزمایشگاهی به طریق اولی قابل تردید می‌باشد و اگر به اعتقاد برخی فقها معامله حتی یک عضو از بدن با کرامت و منزلت انسانی و مالکیت او سازگاری ندارد، چگونه می‌توان معامله کل یک جنین را صحیح دانست؟ (راسخ^{۲۷}، ۱۳۸۳).

۳- در تعریف شخصیت انسانی آمده است وصف و شایستگی شخص برای آن که طرف حق و تکلیف قرار گیرد که این تعریف اعم از شخص حقیقی و حقوقی است. در بیان امتیاز شخص حقیقی گفته‌اند شخص حقیقی فرد انسانی است که با لغو بردگی نمی‌تواند موضوع حق و تکلیف قرار گیرد، بلکه تنها طرف حق و تکلیف است (صفایی^{۲۸}، ۱۳۸۶: ۶-۷).

از طرف دیگر در تعریف اهلیت تمتع به معنای عام آمده است صلاحیت شخص برای دارا شدن حق و تکلیف (کاتوزیان^{۲۹}، ۱۳۸۷: ۲۵).

با توجه به تعریف ارائه شده از اهلیت و شخصیت به خوبی روشن است که شخصیت مترادف است با اهلیت در معنای خاص اهلیت تمتع. با استقرا در قوانین کشور می‌توان جنین و به طور خاص جنین آزمایشگاهی را از لحظه انعقاد نطفه، دارای شخصیت و در نتیجه برخوردار از اهلیت تمتع به حساب آورد. قانون مدنی در ماده ۸۷۵ بیان می‌کند: «شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین‌الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.»

قانون مدنی در ماده ۸۷۸ قدمی فراتر نهاده و در بیان اهمیت جنین و برای تأکید بر قوه او برای گذراندن دوران تعلیق و نیل به حقوق مستقر ابراز می‌دارد: «هرگاه در حین موت مورث حملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی وراثت دیگر می‌گردد، تقسیم ارث به عمل نمی‌آید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچ یک از وراثت نباشد و آن‌ها بخواهند ترکه را تقسیم کنند، باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر که از همان طبقه باشد کنار بگذارند و حصه هر یک از وراثت مراعا است تا حال حمل معلوم شود». بدیهی است چنین دقت نظری در مورد حقوق مالی حامل بیانگر شخصیت داشتن وی است، بی‌آن‌که هنوز متولد شده باشد و اطلاق کلمه حمل از ابتدای زمان انعقاد نطفه را نیز می‌رساند.

به علاوه قانون امور حسبی در مواد ۱۰۵ و ۱۰۹ خود به صراحت درباره تعیین و نصب امین برای اداره اموال جنین سخن می‌گوید و این امر خود گواه روشنی بر داشتن شخصیت و طرف حق قرار گرفتن جنین است.

هم‌چنین قانون مجازات اسلامی در بندهای الف، ب، پ، ت، ث و ج ماده ۷۱۶ برای سقط جنین در همان مراحل اولیه دیه تعیین نموده است و می‌دانیم که دیه تنها در صورت ورود آسیب به انسان در ذمه می‌آید.

۴- در نظر خانواده و عرف جامعه جنین از زمان انعقاد نطفه به عنوان یک فرزند گرامی داشته می‌شود. زیرا فرزند اصولاً گرامی داشته می‌شود و بارزترین خصیصه والدین نیز دوست داشتن فرزندان حتی قبل از تولد آنهاست، هم‌چنان که بعد از مرگ نیز او را دوست داشته، گرامی می‌دارند و جنین آزمایشگاهی نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد.

گفتار سوم : آثار مترتب بر مالیت یا شخصیت جنین

کسانی که معتقدند جنین دارای شخصیت است، اهدای جنین را به معنای هبه جایز نمی‌دانند (قاسم‌زاده^{۳۰}، ۱۳۸۴: ۲۰۵) و بر این باورند که جنین به عنوان یک شخص حقیقی نمی‌تواند به ملکیت کسی درآید، چون شرایط مورد معامله را ندارد و در نتیجه گرفتن وجه درمقابل آن و موافقت اهداکنندگان شرط نمی‌باشد. اما اگر جنین مال یا شیء باشد، می‌تواند موضوع معاملات گوناگون از قبیل بیع، صلح و هبه قرار گیرد و موافقت انتقال‌دهندگان نیز ضروری خواهد بود.

از دیگر آثار مال نبودن جنین این است که او به عنوان یک انسان در آینده حق دانستن هویت خود و شناختن پدر و مادر بیولوژیکی خود را خواهد داشت و هر گونه شرطی خلاف این امر در قرارداد انتقال غیرشرعی و غیراخلاقی است. در حالی که اگر هنگام نقل و انتقال جنین به جنبه مالی او توجه گردد با شرط ضمن عقد می‌توان اشخاص دخیل در نقل و انتقال، اعم از انتقال‌دهندگان، انتقال‌گیرندگان و مؤسسات تخصصی را از فاش نمودن ریشه نسبی جنین منع کرد و چنین شرطی از شروط صحیح و معتبر قلمداد می‌گردد و این اشخاص ملزم به رعایت مفاد آن می‌گردند (کریمی، ۱۳۸۹).

هم‌چنین اگر جنین از ابتدا دارای شخصیت باشد حق بر تصویر و عکس و نام و اوصاف برای او برقرار است اما اگر او از زمان انعقاد نطفه چنین حقوقی نداشته باشد، می‌توان با به نمایش گذاشتن جنین، اوصاف و بیماری‌های او را تشریح نمود، مگر این‌که این اطلاعات منجر به افشای اطلاعات راجع به شخص تولد یافته از جنین شود.

دیگر آن‌که شخصیت داشتن جنین سبب می‌شود او حق مطالبه خسارت ناشی از ضرر در دوران جنینی را دارا باشد و با در نظر قرار دادن اصول مسئولیت مدنی هرگاه کسی به جنین خسارتی وارد نماید، برای جنین و به نمایندگی از او برای اولیا و سرپرستان او حق مطالبه خسارت به وجود می‌آید و البته اگر جنین را به دلایلی از بین ببرند مشمول سقط جنین و بالطبع دیه خواهند شد، اما اگر جنین مال یا شیء باشد، عنوان تخریب یا اتلاف صدق پیدا کرده، دیه موضوعیتی نخواهد داشت (موسوی الخمینی^{۳۱}، ۱۴۱۴: ۶۲۱).

از مهم‌ترین آثاری که بر نظریه مالیت جنین آزمایشگاهی مترتب است، به ارث رسیدن آن پس از فوت والدین بیولوژیکی می‌باشد. در چنین حالتی اگر جنین هنوز به رحم پذیرنده منتقل نشده باشد،

مانند دیگر اموال متوفی باید به بازماندگان منتقل شود، اما اگر جنین دارای شخصیت باشد، چنین امری هرگز پذیرفتنی نیست.

نتیجه‌گیری

تلقیح مصنوعی به شکلی که مورد تجویز قانون اهدای جنین قرار گرفته است، نمی‌تواند مصداق یک عمل حقوقی دوطرفه یعنی عقد باشد؛ چرا که مالیت عرفی جنین مورد تردید جدی است. انسان ولو در قالب ضعیف و ناقص جنینی، کرامتی ورای یک کالا و شیء دارد و نمی‌توان چنان که از خرید و فروش و هبه اشیا سخن می‌رود از معامله جنین سخن گفت و رایگان بودن و استفاده از کلمه اهدا نمی‌تواند چنین عقدی را شرعی نماید، زیرا دو عنصر مالیت و قابلیت تملیک در جنین وجود ندارد. هم‌چنین فقدان سلطنت مالکانه انتقال‌دهندگان از دیگر اشکالاتی است که می‌توان بر معامله جنین وارد ساخت و هیچ فقهی نمی‌پذیرد که ابوین بیولوژیکی بر جنین حق مالکانه داشته باشند و شرع چنین عقدی را که در آن ابوین آن‌چه را که ملکشان نیست، واگذار می‌کنند، ولو به عنوان هبه باشد، مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

جنین یک انسان بالقوه و در حال رشد و نمو است و هم‌چنان که نمی‌توان برای یک انسان کامل بهایی قرار داد، برای جنین نیز نمی‌توان، به همین جهت فقیهان معمولاً از اطلاق عنوان اهدا یا هبه به این عمل خودداری نموده و تلقیح مصنوعی را به کار می‌برند.

بنابراین حتی اگر در نظر بعضی حقوقدانان و فقها، معامله جنین در قالب هر یک از عقود معین با مانع قانونی و فقهی مواجه نباشد، باز این امر، منظور مقنن در قانون نحوه اهدای جنین نبوده است و اگر به روح این قانون توجه شود، معامله جنین به ویژه اگر معوض باشد، با روح قانون مذکور مغایر است. در این شرایط مطابق مواد ۱۰ و ۹۷۵ قانون مدنی باید به بطلان معامله قائل شویم.

پس راه‌حل پیشنهادی، انتقال جنین طبق قراردادی خصوصی میان طرفین است؛ قراردادی مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی که در آن علاوه بر این که به عدم مالیت جنین و غیرقابل انتقال بودن آن توجه می‌شود، شأن و شرف تکامل آن نیز حفظ گردد. به این ترتیب از مشکلات حقوقی پیش‌آمده برای جنین و گیرندگان آن رها خواهیم شد و اهلیت جنین نیز مورد احترام واقع می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|----------------------|
| 1. Moien | 16. Moravej Jazayeri |
| 2. Zygote | 17. Araki |
| 3. Embryo | 18. Najafi |
| 4. Akhoondy & Sadeghi | 19. Anderto |
| 5. Akhoondy, Behjati, Arefi, Sadri, Arabi, Zarnani, Chamani & Shabestari | 20. Saed |
| | 21. Agah |

6. Shahidi
7. Emami
8. Jafari Langroodi
9. Katuzian
10. Karimi
11. The Supreme Court of Iran
12. Naebzadeh
13. Khalafi
14. Esmaeli
15. Ansary
22. Mohaghegh Damad
23. Mohseni
24. Javaheri
25. Feyzi Taleb
26. Irvani
27. Rasekh
28. Safaee
29. Katuzian
30. Ghasemzadeh
31. Mosavi Al-Khomeyni

منابع

- آخوندی، م. و صادقی، م. (۱۳۸۲). ضرورت به کارگیری تکنیک‌های باروری کمکی در تولید مثل انسان. مجموعه مقالات روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: سمت و پژوهشکده ابن‌سینا.
- آخوندی، م.، بهجتی، ز.، عارفی، س.، صدری، ه.، اعرابی، م.، زرنانی، ا.، چمنی، ل.، و شبستری، ا. (۱۳۸۶). آشنایی با لقاح طبیعی، لقاح خارج رحمی و ضرورت استفاده از گامت جایگزین در درمان ناباروری. فصلنامه پایش، ش ۶، ۳۲۱-۳۰۷.
- آگاه، ح. (۱۳۸۲). قرآن، حق حیات و چالش‌های موجود. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۵ و ۳۶، ۱۸۳-۱۶۰.
- آندرتو، ر. (۲۰۰۵). کرامت انسان در پرتو حقوق بین‌الملل زیست پزشکی. ترجمه م ج ساعد (۱۳۸۶). فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۱، ۲۲۰-۲۱۸.
- اراکي، م. (۱۴۱۵). کتاب البیع. ج ۲. قم: مؤسسه راه حق.
- اسماعیلی، ا. (۱۳۸۷). خرید و فروش خون. قم: مؤسسه فرهنگی تبیان.
- امامی، س. ح. (۱۳۶۶). حقوق مدنی. ج ۳. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، م. (۱۴۱۵). مکاسب. ج ۴. قم: نشر کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ایروانی، ب. (۱۴۱۸). دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه. قم: الانوار المهدی.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جواهری، ح. (۱۴۲۱). بحوث فی الفقه المعاصر. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- خلفی، م. (۱۳۸۵). اهدای جنین در پرتو فقه و حقوق. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳، ۷۹-۵۰.
- راسخ، م. (۱۳۸۳). بیوتکنولوژی و انسان، مسائل و دیدگاه‌ها. مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۰، ۹۲-۹.
- دیوان عالی (۱۳۳۸). رأی شماره ۵۸۹۲-۵۸۹۱/۱۰۳۸/۱۱۱۰.
- شهیدی، م. (۱۳۸۷). وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی. تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، س. ح. (۱۳۸۶). اشخاص و محجورین. تهران: سمت.
- فیضی طالب، ع. (۱۳۷۷). پیوند اعضا. قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه.
- قاسم‌زاده، س. م. (۱۳۸۴). شرایط اساسی صحت قراردادهای درمان ناباروری با استفاده از گامت و جنین. مجموعه مقالات اهداء گامت و جنین در درمان ناباروری. تهران: سمت و پژوهشکده ابن‌سینا.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۹). اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). دوره مقدماتی اعمال حقوقی. تهران: شرکت سهامی.

- کریمی، ع. (۱۳۹۳). انتقال گامت و جنین از دیدگاه حقوق اموال. *فصلنامه باروری*، ش ۳۰، ۳۶-۱۱.
- کریمی، ع. (۱۳۸۹). تعارض بین احکام راجع به مالیت بالفعل و شخصیت بالقوه جنین. *اولین همایش جنین آزمایشگاهی پژوهشکده رویان*، (۱۳۸۹/۱۰/۶).
- محسنی، م. (۱۳۸۴). *الفقه و مسائل الطبیه*. قم: بوستان کتاب.
- محقق داماد، س. م. (۱۳۸۹). *فقه پزشکی*. ج ۱. تهران: انتشارات حقوقی.
- مروج جزایری، س. م. (۱۴۱۶). *هدی الطالب فی شرح مکاسب*. ج ۶. قم: مؤسسه دارالکتاب.
- معین، س. م. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*. ویرایش ۸. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۱۴). *تحریرالوسیله*. ج ۲. قم: دارالاسلام.
- نایب‌زاده، ع. (۱۳۸۰). *باروری مصنوعی*. ج ۱. تهران: انتشارات مجد.
- نجفی، م. (بی‌تا). *جواهرالکلام*. ج ۲۲. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- Agah, H. M. (2003). [Qur'an, the right of life and the existing challenges]. *Journal of Qur'anic Studies*, 35 & 36, p.160-183 [in Persian].
- Akhoondy, M. & Sadeghi, M. (2003). [*The Necessity of Using Assisted Reproductive Techniques in Human Reproduction. Proceedings of modern methods of human reproduction with Regard to Law and Jurisprudence*]. Tehran: Samt and Ebne Sina Publications [in Persian].
- Akhoondy, M., Behjati, Z., Arefi, S., Sadri, H., Arabi, M., Zarnani, A., Chamani, L. & Shabestari, A. (2007). [Understanding the Natural Fertilization, IVF and Gamete Need to use Alternative Infertility Treatment]. *Payesh Journal*, 6, 307-321 [in Persian].
- Anderto, R. (2005). Dignity of the person in the light of international biomedical law (M. J. Saed, Trans.). *Journal of Medical law*, 1, 218-220.
- Ansary, M. (1993). [*Makaseb*]. Vol.4. Qom: Congress on the Commemoration of Sheikh Ansari Publication [in Arabic].
- Araki, M. (1993). [*Vending Book*]. Vol. 22. Qom: Rahe Hagh Institution [in Arabic].
- Emami, S. H. (1987). [*Civil Law*]. Vol. 3. Tehran: Eslamiyeh Bookselling [in Persian].
- Esmaeli, A. (2008). [*Blood Selling and Buying*]. Qom: Tebyan Cultural Institution [in Persian].
- Feyzi Taleb, A. (1998). [*Organ Transplantation*]. Qom: Jurisprudential Study Center of Judiciary [in Persian].
- Ghasemzadeh, S. H. (2005). [*The Basic Conditions of Infertility Contract Accuracy Using Gametes and Embryos*]. Tehran: Samt and Ebne Sina Publications [in Persian].
- Irvani, B. (1996). [*Doroos Al-Tamhidiyeh fi Ghavaed Al-Feqh*]. Qom: Anvar Al-Mahdi Publication [in Arabic].
- Jafari Langroodi, M. (2009). [*Terminology of Law*]. Tehran: Ganje Danesh Library [in Persian].
- Javaheri, H. (1999). [*Bohooth fi Feqh Al-Moaser*]. Qom: Majmao Al-Jazayer Publication [in Arabic].
- Karimi, A. (2009). [Contrast between Ordinances Related to Actual Property Being and Potential Personality of Fetus]. *The 1th Conference on Laboratory Fetus of Royan Institute*, (2009/11/26) [in Persian].

- Karimi, A. (2014). [Transference of Gamete and embryo from property rights perspective]. *Fertilization Journal*, 30, 11-36 [in Persian].
- Katuzian, N. (2010). [*Law of Property*]. Tehran: Mizan Publications [in Persian].
- Katuzian, N. (2008). [*Elementary Course of Legal Acts*]. Tehran: Publication of Enteshar Corporation [in Persian].
- Khalafi, M. (2006). [Embryo donation in light of the jurisprudence and law]. *Journal of Woman's Study*, 33, 50-79 [in Persian].
- Moein, S. M. (1992). [*Moein Persian Dictionary*]. 8thEd. Vol. 1. Tehran: Amir Kabir Publications [in Persian].
- Mohaghegh Damad, S. M. (2010). [*Medical Jurisprudence*]. Vol.1. Tehran: Legal Publications [in Persian].
- Mohseni, M. (2005). [*Alfeqh va Masael Al-Tabiyeh*]. Qom: Boostan Publication [in Persian].
- Moravej Jazayeri, S. M. (1994). [*Hod Al-Taleb fi Sharhe Al-Makaseb*]. Vol 6. Qom: Darolketab Institution [in Arabic].
- Mosavi Al-Khomeyni, R. (1992). [*Tahrir Al-Vasileh*]. Vol.2, Qom: Daro Al-Eslam [in Arabic].
- Naebzadeh, A. (2001). [*Artificial Insemination*]. Vol.1. Tehran: Majd Publications [in Persian].
- Najafi, M. (Dateless). [*Javaher Al-Kalam*]. Vol. 22. Beirut: Publication of Dar Al-Ahyae Al-Torath Al-Arabi [in Arabic].
- Rasekh, M. (2004). [Biotechnology and Human, Issues and Views]. *Journal of Legal Studies*, 40, 9-92 [in Persian].
- Safaei, S. H. (2007). [*Individuals and Incapacitated Persons*]. Tehran: SAMT Publications [in Persian].
- Shahidi, M. (2008). [*The Legal Status of Infants*]. Tehran: Majd Publication [in Persian].
- The Supreme Court of Iran (1959). *Verdict No.38/11/10-5892* [in Persian].